

جلد دوم

المصنفی

شرح فارسی

الموطأ للأئمة مالك

تألیف: امام شاہ ولی اللہ دہلوی

مقدمہ، تصحیح و تعلیقات : داود نارویی

سرشناسه: شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم، ۱۱۱۴ - ۱۱۷۶ ق.

Shah Waliullah, Ahmad ibn Abdul Rahim

عنوان قراردادی: الموطا. فارسی - عربی. شرح

عنوان و نام پدیدآور: مصفی شرح فارسی موطا / مولف شاه ولی الله دهلوی؛

مقدمه، تصحیح و تعلیقات داود نارویی.

مشخصات نشر: تهران: نشر احسان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ج ۲.

شابک: ۸-۷۳۶-۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸: دوره؛ ۵-۷۳۷-۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸: ج ۱؛

۲-۷۳۸-۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸: ج ۲

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: ج ۲ (چاپ اول: ۱۴۰۰) (فیا).

موضوع: مالک بن انس، ۹۳ - ۱۷۹ ق. الموطا -- نقد و تفسیر

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۲ ق.

شناسه افزوده: نارویی، داود، ۱۳۵۹ - ، مقدمه نویس، مصحح

شناسه افزوده: مالک بن انس، ۹۳ - ۱۷۹ ق. الموطا. شرح

رده بندی کنگره: BP117/5

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۰۳۱۵۳



www.ketab.ir

المصنفی (شرح فارسی موطاً) جلد دوم

مولف: امام شاه ولی الله دهلوی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: داود نارویی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهارت

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شابک: ۸-۷۳۸-۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۸-۷۳۶-۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ

فروزنده، شماره ۴۰۶. تلفن: ۴۶۹۵۴۴۰۴

www.nashrehsan.com

باب ۱۳- ساقط کردن بعض از ثمن به سبب مصیبتی که به ثمن رسد ۵۰

باب ۱۴- جایز نیست فروختن چیزی که نیست در پیش بایع معین ۵۱

باب ۱۵- جایز نیست فروختن طعامی که خرید کرده باشد ۵۲

باب ۱۶- آیا جایز هست بایع را که بدل ثمنی که در ذمه‌ی مشتری است، خرید کند چیزی دیگر را، پیش از قبض آن ثمن؟ ۵۶

باب ۱۷- وقتی که رد کند مشتری بعض مبیع را ۵۶

باب ۱۸- در منع کردن از فروختن حبل الحبله ۵۷

باب ۱۹- در منع فروختن سگ و از هر چیزی که داه شود بر زنا ۵۸

باب ۲۰- در منع فروختن خمر ۵۸

باب ۲۱- در کراهت کسب خون‌کشنده از غیر تحریم ۵۹

باب ۲۲- منع عطفی که بیع چیزی با شرط قرض دادن چیزی دیگر باشد ۶۰

باب ۲۳- در منع کردن از دو عقد که در ضمن یک عقد باشد ۶۱

باب ۲۴- وقتی که گوید شخصی را: خرید کن فلان چیز را تا خرید نکنم من آن را از تو به وعده‌ی میعادى ۶۱

باب ۲۵- در منع کردن از بیع و شرط ۶۱

باب ۲۶- آیا جایز هست خرید کردن بنده به شرط آزاد کردن؟ ۶۲

باب ۲۷- در منع بیعی که در وی فریفتن مشتری باشد ۶۳

مقدمه: شرط بیع ۲۹

باب ۱- شرط کرده می‌شود در هر عقد رضامندی عاقدین ۳۱

مقدمه: وجود عاقدین و سنی مورد معامله ۳۲

باب ۲- حرام است فروختن طعام به جنس آن ۳۳

مسأله: شرط صحت بیع ۳۷

باب ۳- در بیان صفتی که دَوران می‌کند بر وی این حکم ۳۷

باب ۴- گفتند بعضی فقها نفروشد گندم را با جو الا هم وزن یک‌دیگر ۳۹

باب ۵- جایز است حیلۀ کردن برای خلاصی از ربا ۳۹

باب ۶- در بیان منع از فروختن خرماى تر با خرماى خشک ۴۱

باب ۷- در بیان فروختن جانور با جانور ۴۲

باب ۸- در بیان حکم فروختن گوشت به مقابله‌ی جانور ۴۳

مسأله: فروختن گوشت در مقابل حیوان ۴۴

باب ۹- حرام است بیع مُرَبَّنَه و بیع مُحَاقَلَه ۴۴

باب ۱۰- در بیان رخصت در عَرِيَه ۴۷

باب ۱۱- هر که فروخت خرما را که تأییر کرده شده است ۴۸

باب ۱۲- در منع بیع بار درختان تا آن که ظاهر شود صلاح آن‌ها ۴۸

فهرست مطالب

برائتِ خود از جمیع عیوب ۶۴	باب ۲۸- در بیان منع از بیع ملامسه و منابذة..... ۶۴
باب ۴۶- وقتی که ممتنع باشد رد میباید، یا پیدا شد	باب ۲۹- منع از فروختن بر فروختن، یعنی شخصی
عیبی دیگر..... ۶۴	متاع خود را بفروشد..... ۶۴
باب ۴۷- خراج بدل ضمان است..... ۶۵	باب ۳۰- در منع از نجش..... ۶۵
باب ۴۸- در اختلاف کردنِ بایع و مشتری با یکدیگر	باب ۳۱- در منع ملاقات با شترسوارانِ کاروان و بیع
مسأله: اختلاف متبایعین..... ۶۵	شهری برای روستایی..... ۶۵
باب ۴۹- مال غلام از آن فروشنده است..... ۶۵	باب ۳۲- در منع از جمع کردنِ شیر در پستانِ
باب ۵۰- در بیانِ تحصیلِ ربیح..... ۶۵	ماده شتر یا بز..... ۶۵
باب ۵۱- بیانِ شرکت و تولیت و اقاله بیع..... ۶۶	باب ۳۳- حرام است کاهیدنِ حقِ کسی در پیمانهِ و ترازو
باب ۵۲- حرام کرده است خدای تعالی ربا را..... ۶۷	باب ۳۴- در منع کردنِ از بریدنِ دینار و درهم..... ۶۷
باب ۵۳- هر که قرض دهد قرضی را پس باید که	باب ۳۵- در منع کردنِ از فروختنِ عُربان..... ۶۷
شرط نکند بهتر از مالِ خود..... ۶۷	باب ۳۶- نمی شود فروختنِ کنیزکی که در نکاحِ
مقدمه: تولیت، مشارکت، مرامجت و مخالطت..... ۶۸	کسی داده شد..... ۶۸
باب ۵۴- وقتی که قرض دهد قرضی را، پس باید	باب ۳۷- جایز است استثنا کردنِ چیزی در بیع
که شرط نکند..... ۶۸	وقتی که باشد مستثنی معلوم..... ۶۸
باب ۵۵- وقتی که خرید کرد به قیمت تا میعادی..... ۶۹	باب ۳۸- در منع کردنِ از احتکار..... ۶۹
باب ۵۶- جایز است که قرض کرد شترِ نوجوان را،	باب ۳۹- در جوازِ مقرر کردنِ نرخ..... ۷۰
پس ادا کند شترِ نوجوانِ مانند آن، یا بهتر از آن، به	باب ۴۰- مستحب است که به نرمی و ملایمت
غیر شرط..... ۷۰	معامله کنند در فروختن و خریدن و تقاضای [دین]
باب ۵۷- جایز است که قرض دهد تا به آن مال	کردن..... ۷۰
خرید کند طعامِ صفت کرده شده به نرخ معلوم تا	باب ۴۱- در اختیاری که حاصل می شود در مجلس..... ۷۰
میعادی مقرر..... ۷۱	باب ۴۲- در بیانِ خیارِ شرط..... ۷۱
باب ۵۸- در منع از تبدیلِ مُسَلَّمِ فیهِ پیش از آن که	باب ۴۳- حرام است غش و ثابت است خیارِ عیب..... ۷۳
قبض کند آن را..... ۷۳	باب ۴۴- لزومِ عهده‌ی بندگان در سه روز یا در یک
باب ۵۹- در نوشتنِ قرض‌ها در قباله و شاه	سال..... ۷۳
گرفتن بر آن..... ۷۳	باب ۴۵- وقتی که فروخت کرد بنده‌ای را و شرط کرد

فهرست مطالب

باب ۶۰- جایز نیست تقاضا کردن مُفلس را و نه تقاضا	باب ۷۸- مالک نمی‌شود موهوب را مگر به قبض
کردن توانگر را، پیش از مدّت معین ۹۲	آن ۱۱۶
باب ۶۱- کسی که مفلس شد ۹۴	باب ۷۹- اگر هبه کرد پدر به پسر خود چیزی را و متولی شود ۱۱۷
باب ۶۲- در بیان حواله ۹۴	باب ۸۰- مکروه است که اختیار کند بعض اولاد خود را به عطا کردن به جز دیگران ۱۱۸
باب ۶۳- رجوع نکند شخصی که حواله کرده شد برای او بر حواله کننده ۹۶	باب ۸۱- بیان رجوع از هبه و هبه به شرط پاداش باشد ۱۱۸
باب ۶۴- در جواز مزدور گرفتن ۹۷	باب ۸۲- جایز است رجوع کند در غمزی، وقتی که نگفته باشد این زمین تو راست و اولاد تو راست ۱۲۰
باب ۶۵- جایز است که کرایه گیرد جانوری را ۹۸	باب ۸۳- لُقْطَه ۱۲۱
تذییل ۱۰۰	باب ۸۴- لقیط ۱۲۴
باب ۶۶- قراض ۱۰۱	باب ۸۵- جاری نمی‌شود وصیت مگر در سیوم حصه‌ی مال ۱۲۵
باب ۶۷- مساقات ۱۰۵	باب ۸۶- در برانگیختن و رغبت کردن بر شتاب نمودن وصیت ۱۲۶
باب ۶۸- در کرایه دادن زمین به مقابلهی طلا و نقره ۱۰۶	باب ۸۷- جایز است وصیت نوجوان غیر بالغ ۱۲۶
باب ۶۹- شُفَعَه ۱۰۷	باب ۸۸- وصیت درست نیست برای وارث ۱۲۷
باب ۷۰- چیزی که گرو گذاشته شد پیش کسی ۱۰۹	باب ۸۹- منع کرده شود بر آدمی، مال او را از جهت صغر سن و بی‌عقلی ۱۲۷
باب ۷۱- هر که زنده کند زمین مرده را پس آن زمین ملک اوست ۱۱۱	باب ۹۰- حرام است خوردن مال یتیمان به ظلم ۱۲۹
باب ۷۲- جَمی ۱۱۳	باب ۹۱- چه چیز جایز است ولی را که بخورد از مال یتیم؟ ۱۳۰
باب ۷۳- مخصوص گردانیده نشود کسی را به معدنِ ظاهر ۱۱۴	باب ۹۲- در تمام ادا کردن مهر یتیمه ۱۳۰
باب ۷۴- جایز است اقطاع معدنِ باطن ۱۱۵	باب ۹۳- می‌رسد ولی را که تجارت کند در اموال
باب ۷۵- آب رودها که در صحرا می‌باشد مشترک‌اند در وی مردمان ۱۱۵	باب ۹۴- پس او اَحَقُّ است به آن مکان ۱۱۶
باب ۷۶- منع کرده نشود آب چاه برای کسی که بخواهد که بنوشد یا بنوشاند جانوران خود را ۱۱۵	
باب ۷۷- کسی که پیش‌دستی کرد به سوی جای مباحی، پس او اَحَقُّ است به آن مکان ۱۱۶	

فهرست مطالب

<p>باب ۹- حمیل ۱۷۴</p> <p>باب ۱۰- در میراث کسی که دانسته نشد تقدّم موت او ۱۷۴</p> <p>باب ۱۱- ملاعنه زنی است که لعان کرد با شوهر خود، پس نسب ۱۷۵</p> <p>باب ۱۲- قاتل وارث نمی شود از مال مقتول ۱۷۵</p>	<p>یتیمان و مضاربت کند و بکند چیزی که در آن نفع ظاهر است ۱۳۱</p>
<h3>کتاب الفرائض</h3>	
<p>باب ۱- میراث اولاد از پدر خویش و یا از مادر خویش ۱۳۵</p> <p>باب ۲- در میراث مرد از زن خود و میراث زن از شوهر خود ۱۳۹</p> <p>باب ۳- کلاله ۱۴۰</p> <p>باب ۴- در بیان میراث جد از نیره ی خود ۱۴۴</p> <p>باب ۵- در بیان میراث جد ۱۴۷</p> <p>باب ۶- در بیان میراث عصبه ها ۱۵۰</p> <p>فصل: فرض مقدّره در کتاب الله ۱۵۲</p> <p>فصل: اب و ابی زوج در هیچ حال محبوب نمی شوند ۱۵۲</p> <p>فصل: اگر ورثه محض عصبانیت باشد ۱۵۳</p> <p>فصل: گاهی عددی اصل مسأله شده است که تنگی می کند از سهام ایشان ۱۵۴</p> <p>فصل: گاهی منکر می شود بر ۱۵۵</p> <p>فصل: اگر میتی وارثان چند گذاشت و یکی از ایشان قبل از قسمت ترکه متوفی شد و وارثان گذاشت ۱۵۷</p> <p>مسأله: زوجه و سه پسر و یک دختر ۱۵۸</p> <p>فصل: چون بطون بسیار باشند ۱۵۹</p> <p>باب ۷- در میراث اصحاب قرابت غیر اهل فرایض و عصبات ۱۷۱</p> <p>باب ۸- وارث نمی شود مسلمان هیچ کافر را ۱۷۳</p>	<p>کتاب النکاح</p> <p>باب ۱- ذکر العورات ۱۷۹</p> <p>باب ۲- حلال نیست پیغام نکاح فرستادن برای زنی که در عدت و فاتی کسی باشد، مگر به طریق اشاره و کنایه ۱۷۹</p> <p>باب ۳- پیغام نکاح نفرستد بر پیغام برادر خود ۱۸۰</p> <p>باب ۴- منعقد نمی شود نکاح مگر به حضور ولی و اذن او ۱۸۱</p> <p>باب ۵- منعقد نمی شود نکاح زن شوهر دیده مگر به دستور صریح او ۱۸۱</p> <p>باب ۶- حلال نیست نکاح پوشیده ۱۸۲</p> <p>باب ۷- حلال نیست نکاح شغار ۱۸۲</p> <p>باب ۸- حلال نیست نکاح متعه ۱۸۲</p> <p>باب ۹- در شرح و بیان آیت محرمات ۱۸۳</p> <p>باب ۱۰- در شرح و بیان آیت محرمات ۱۸۳</p> <p>باب ۱۱- در شروط نکاح کنیزک غیر خود ۱۸۶</p> <p>باب ۱۲- در شروط نکاح کنیزک غیر خود ۱۸۷</p> <p>باب ۱۳- حلال نیست نکاح مابین مسلمانان و</p>

فهرست مطالب

<p>باب ۲۹- آن که وقتی که متفق شدند شوهر و زن بر خلوت..... ۲۰۴</p> <p>باب ۳۰- هر چه شرط کند ولی برای خود، آن برای زن است..... ۲۰۵</p> <p>باب ۳۱- در بیان شرط نکاح..... ۲۰۵</p> <p>باب ۳۲- در بیان خواندن دعا وقتی که نکاح کند زنی را..... ۲۰۶</p> <p>باب ۳۳- سنت است طعام ولیمه پختن و مردمان را بر آن دعوت کردن..... ۲۰۶</p> <p>باب ۳۴- لازم و متأكد است قبول کردن دعوت در ولیمه..... ۲۰۷</p> <p>باب ۳۵- مکروه است آن که خوانده شود توانگران را و گذاشته شود فقیران را..... ۲۰۷</p> <p>باب ۳۶- واجب است برابر ساختن در نوبت‌ها و غیر آن..... ۲۰۷</p> <p>باب ۳۷- زن شوهر ناییده را اگر نکاح کند، هفت شب با او باشد..... ۲۰۷</p> <p>باب ۳۸- اختیار دادن زن نو که تیب باشد در میان سه شب بلاقضا..... ۲۰۸</p> <p>باب ۳۹- حرام است جماع کردن در دُبُر زن و حلال است در قُبُل وی..... ۲۰۹</p> <p>باب ۴۰- حرام است جماع زن حیض..... ۲۰۹</p> <p>باب ۴۱- مرتفع نمی‌شود حرمت غشیان تا وقتی که منقطع شود خون و غسل کند..... ۲۱۰</p> <p>باب ۴۲- جواز یک‌جا خواب کردن با حیض و خدمت کردن حیض..... ۲۱۰</p>	<p>مشرکان..... ۱۸۹</p> <p>باب ۱۴- حال نکاح مشرک وقتی که مسلمان شد زن او پیش از وی..... ۱۹۰</p> <p>باب ۱۵- حلال نیست که جمع کند در نکاح زیاده از چهار زن..... ۱۹۲</p> <p>باب ۱۶- هر کس که مسلمان شد و نزد او زیاده از چهار زن است..... ۱۹۳</p> <p>باب ۱۷- در بیان آن که غلام به زنی گیرد چهار زن را..... ۱۹۳</p> <p>باب ۱۸- در بیان آن که غلام به زنی گیرد چهار زن را..... ۱۹۴</p> <p>باب ۱۹- حلال نیست نکاح زنی که در عدت کسی باشد از وفات یا طلاق..... ۱۹۴</p> <p>باب ۲۰- شیر خوردن حرام می‌کند چیزی را که حرام می‌کند قربابت و ولادت..... ۱۹۴</p> <p>باب ۲۱- حرمت رضاع معتبر است به مردان..... ۱۹۵</p> <p>باب ۲۲- شیر خوردن کلان سال حرام نمی‌کند زن را بر مرد..... ۱۹۶</p> <p>باب ۲۳- در بیان حد شیر خوردن..... ۱۹۹</p> <p>باب ۲۴- آیا حرام می‌کند یک بار مکیدن و دو بار مکیدن..... ۲۰۰</p> <p>باب ۲۵- نکاح احرام کننده باطل است..... ۲۰۱</p> <p>باب ۲۶- قابل بودن مهر است آن چه قابل بودن بهای چیزی باشد..... ۲۰۲</p> <p>باب ۲۷- خالی نمی‌باشد نکاح از مال..... ۲۰۲</p> <p>باب ۲۸- اختلاف کردن در فروهشتن پرده‌ها..... ۲۰۴</p>
--	--

فهرست مطالب

باب ۴۳- جایز است مباشرتِ حیض بالای ازار ... ۲۱۱	باب ۶۱- وقتی که مختار گردانید مردی زنِ خود را، پس آن زن اختیار کرد شوهرِ خود را، یا اختیار داد پدرِ آن زن را، پس اختیار کرد او را ۲۲۵
باب ۴۴- غیله آن است که جماع کند مرد با زنِ خود و حال آن که وی شیر می‌خوراند ولد را ۲۱۲	باب ۶۲- وقتی که داد کارِ زن را به دستِ او، پس اختیار کرد زن نفسِ خود را، پس آن طلاق رجعی است ۲۲۷
باب ۴۵- اگر ببیند مرد از طرف زن علامت سرکشی ۲۱۲	باب ۶۳- وقتی که داد امرِ زن را به دستِ او، پس طلاق داد آن زن نفسِ خود را سه طلاق، باشد قولِ معتبر قولِ مرد با سوگند او ۲۲۸
باب ۴۶- در بیان اختیاری که حاصل می‌شود زن را به سبب آزاد شدنِ او در فسخِ نکاحِ زوج که عید باشد ۲۱۵	باب ۶۴- در حکمِ خلع ۲۲۸
باب ۴۷- خیار عتق ممتد است تا دست رسانیدن. ۲۱۶	باب ۶۵- جایز است خلع در بدل ۲۳۱
باب ۴۸- در اختیاری که حاصل می‌شود احد الزَّوجین را به سبب عیب دیگر ۲۱۶	باب ۶۶- در عدتِ زنی که خلع کرده است از شوهرِ خود ۲۳۱
باب ۴۹- در حکمِ مغرور ۲۱۷	باب ۶۷- سوگند خوردنِ مرد به طلاقِ زنی که هنوز با او نکاح نکرده است ۲۳۱
باب ۵۰- در حکمِ زنِ نامبر ۲۱۷	باب ۶۸- طلاقِ دو بار است ۲۳۲
باب ۵۱- در بیان زنِ شخصی که تکلیف است باشد. ۲۱۸	باب ۶۹- حلال نیست زنی که سه بار طلاق داده باشد او را، زوجِ اول را، تا آن که بچشد مزه از شوهرِ دیگر ۲۳۳
باب ۵۲- ایلا ۲۱۸	باب ۷۰- اگر مردی طلاق داد زنِ خود را یک طلاق، یا دو بار، پس نکاح کرد آن زن شوهرِ دیگر را سوای آن ۲۳۴
باب ۵۳- اختلاف کردند در آن که وقتی که گذشت چهار ماه، آیا توقف کرده شود، یا واقع شود بر زن طلاق باین یا رجعی ۲۱۸	باب ۷۱- اگر طلاق دهد به یک کلمه سه مرتبه ... ۲۳۵
باب ۵۴- کسی که سوگند خورد بر آن که وطی نکند زن خود را یک ماه ۲۱۹	باب ۷۲- وقتی که طلاق دهد زنی را که هنوز دست نرسانیده است به او ۲۳۶
باب ۵۵- در بیان ایلاء غلامان ۲۲۰	باب ۷۳- دو بار طلاق دادن و دو طهر در حقِ غلامان ۲۲۳
باب ۵۶-ظهار ۲۲۰	
باب ۵۷- اگر ظهار کند از چهار زن به یک کلمه .. ۲۲۱	
باب ۵۸- اگر ظهار کند از زنی پیش از آن که نکاح کند او را ۲۲۲	
باب ۵۹- در بیان حکمِ ظهارِ غلامان ۲۲۲	
باب ۶۰- اللعان ۲۲۳	